

آسیب‌های فرهنگی موجود در جهان اسلام و نقش آموزه مهدویت در حل آن‌ها

مهدی یوسفیان^۱

چکیده

شریعت مقدس اسلام نقشه راه زندگی انسانی در عرصه‌های مختلف و ابعاد گوناگون وجودی آن به‌ویژه فرهنگ انسان‌زیستی را دربر دارد. اگرچه عصر دوری امامان اهل بیت علیهم‌السلام از حکومت و دوران آخرالزمان که دوره نبود ظاهری جانشین پیامبر بوده، امت اسلامی را دچار آسیب‌های مختلف به‌خصوص در عرصه فرهنگ کرده است. حقیقتی که توجه بیشتر و جدی‌تر محققان را برای بازکاوی این مشکل و یافتن راه برون‌رفت از آن می‌طلبد. بر این اساس، ما با این پرسش مواجه هستیم که آسیب‌های فرهنگی جهان اسلام چیست و چگونه می‌توان با آن‌ها برخورد کرد. به نظر می‌رسد مهدویت و آموزه انتظار شفابخش آلام جوامع اسلامی را در پرتو کالبدشکافی عنصر انتظار نشان دهد. این نوشتار برای نیل به چنین هدفی روش توصیفی - تحلیلی را دنبال می‌کند. ارائه تعریف درست از انتظار و تبیین دو عنصر کلیدی آن: ۱. آینده معلوم و حتمی؛ ۲. وظایف و برنامه‌ها و نیز معرفی امام مهدی علیه‌السلام به‌عنوان محور وحدت امت اسلامی و همچنین، اشاره به وظایف مردم و جوامع اسلامی در راستای فرهنگ انتظار از نتایج این مقاله است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگ اسلامی، آسیب، آسیب‌شناسی، امام مهدی علیه‌السلام، انتظار.

^۱ . استاد مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم؛ yousefian313@gmail.com

فرهنگ با همه عناصر درونی و بیرونی‌اش، به‌مثابه هویت یک جامعه است. فرهنگ منشأ اصلی دگرگونی‌های جامعه به حساب آمده و تمامی جهت‌گیری‌ها و کارکردهای گوناگون حیات جامعه و افراد آن را مشخص می‌کند.

کارنامه اسلام را باید فصلی درخشان از حیات بشری دانست که تحولی شگرف در زندگی جوامع انسانی به‌صورت مستقیم (جوامعی که دین اسلام را پذیرفته و کشور اسلامی محسوب می‌شوند) یا غیرمستقیم (جوامع غیراسلامی) پدید آورده است. حضور اسلام در پهنه وسیعی از جغرافیای زمین در طی قرون متمادی به توسعه علوم گوناگون معنوی (انسانی) و مادی انجامید و تا سالیان طولانی پیشرو قافله علم و فرهنگ و تمدن انسانی گردید. به‌گونه‌ای که تا زمان حاضر نیز کتاب‌ها، اندیشه‌ها و یافته‌های دانشمندان مسلمان در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی از منابع اصلی دانش‌های بشری شمرده می‌شود.

اسلام بشر را در برابر آموزه‌های بلندی قرار داد که هویت آدمی و نسبت او با جهان هستی و مبدأ (خداوند) و منتهای آن (معاد) و نیز نسبتش با سایر انسان‌ها به‌صورت خاص، به روشنی در آن ترسیم شده است. این تصویر به‌قدری گویا و شفاف بود که بشر در برابر آن به‌سرعت سر تسلیم و تعظیم فرود آورد. همچنین از آنجا که با عقل و فطرت سلیم انسان‌ها هماهنگ بود، به هر کجا که وارد شد با رویی گشاده از آن استقبال شد. به‌گونه‌ای که در اندک زمانی بخش وسیعی از جغرافیای زمین را با خود همراه کرد.

فرهنگ اسلامی برآمده از این آیین آسمانی که از یک سو از سرچشمه وحی و کلام آفریدگار و نیز سنت رسول پروردگار و کامل‌ترین انسان جهان هستی سیراب گشته و از سوی دیگر با تاروپود وجود و نیز اندیشه و نیاز انسان منطبق است، با نگرشی

جامع و کامل به عالم وجود، پیروانش را به سوی تمدنی بزرگ و درخور حیات بشری - که تجلی زندگی برترین موجود و مخلوق یعنی انسان باشد - فرا خواند.

معارف ناب و محتوای غنی، جذّاب، سازنده، حرکت‌زا و شورآفرین اسلام چنان اثرگذار بود که فرهنگ اسلامی را در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها ممتاز و بی‌بدیل قرار داد. توجه آیین مقدس اسلام به مؤلفه‌هایی چون: ۱. خدا، انسان و هستی؛ ۲. خردگرایی؛ ۳. ترغیب و ترویج دانش‌اندوزی؛ ۴. منزلت‌بخشی به کاروتلاش؛ ۵. سعه‌صدر و تحمل اندیشه‌ها و افکار؛ و ۶. پذیرش داشته‌های صحیح انسانی اعم از علوم و آداب و رفتارهای سنجیده، از ویژگی‌های مهم این فرهنگ است.

اما با نهایت تأسّف باید پذیرفت که وضعیت کنونی جهان اسلام به‌هیچ‌وجه نه مطابق با آیین و فرهنگ والای اسلامی است و نه شایسته زندگی انسانی و دینی. با نگاهی اجمالی به فضای جوامع اسلامی به‌روشنی می‌توان اوضاع نابسامان آن‌ها را مشاهده کرد: عقب‌ماندگی در عرصه‌های مختلف علوم و فنون انسانی و طبیعی، فاصله طبقاتی در زندگی اجتماعی، سلطه‌پذیری و قبول اسارت در سیستم سیاسی و حکومتی شیطان‌محور قدرت‌های بزرگ و دشمن، تفرقه و دشمنی، فقر و انواع مشکلات زندگی، وقوع جنگ‌ها و کشتارهای بی‌حدومرز و کشتار مسلمانان توسط خودشان گوشه‌هایی دردناک از وضعیت کنونی جهان اسلام است.

اکنون جای این سؤال است که آیا واقعاً این شرایط، تقدیری محتوم است که باید آن را پذیرفت و بر آن گردن نهاد؟ آیا مسلمانان باید در این اوضاع نابسامان دست‌وپا بزنند و فقط نظاره‌گر احوال زار خود باشند؟ آیا از منظر آیین اسلام پذیرش چنین نکبتی پذیرفتنی است؟ آیا اسلام نیز اندیشه باطلی چون تسلیم و فدا و نجات را مانند برخی ادیان تحریف‌شده دیگر، قبول دارد؟

با مراجعه به متون مقدس دین مبین اسلام، می‌توان به‌روشنی دریافت که اندیشه و خواست اسلام چیز دیگری است. در متون دینی، آیین اسلام به‌عنوان دین برتر شناخته

شده^۱ و آینده جهان و نوید حاکمیت بر آن با وعده محتوم به این دین داده شده است.^۲ از سوی دیگر اشارات قرآنی و فرمایشات نبی مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت بزرگوار ایشان برای رسیدن به آن دوران نورانی به عنوان نقشه راه، در اختیار مسلمانان قرار داده شده است.

«انتظار» ظهور امام مهدی ﷺ را می توان همان نقشه راه و کامل ترین برنامه اجرایی برای دوران گذر از گردنه های صعب العبور و تاریک دوران آخرالزمان معرفی کرد. حقیقت والایی که با تحلیل درست مفهوم و ماهیتش، جوامع اسلامی به بهترین شکل ممکن، ضمن برون رفت از آسیب ها، به سمت آینده وعده داده شده رهنمون می شوند. این نوشتار در صدد تبیین نقش مهدویت و انتظار موعود در برطرف کردن آسیب ها و چالش هایی است که جهان اسلام را در معرض تهدید قرار داده است. تلاش شده تا به این سؤال پاسخ داده شود که «مقوله انتظار ظهور امام مهدی ﷺ چگونه می تواند جوامع اسلامی را برای رفع آسیب های موجود و پیش رو یاری رساند.» روش به کاررفته در این مقاله، روش تحلیلی - توصیفی بوده و تبیین آیات و روایات مرتبط، اساس این تحقیق است.

۱. مفاهیم

تعریف فرهنگ

اندیشمندان حوزه جامعه شناسی و فرهنگ، تعریف های متعددی را در مورد معنای «فرهنگ» برشمرده اند، که به نظر می آید شالوده کلی آنها به یکدیگر نزدیک است. در ابتدا مناسب است به برخی از تعاریف اشاره کرده و سپس دیدگاه خود را بیان کنیم.

^۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.

^۲. نور/ ۵۵.

مالینفسکی ضمن اینکه فرهنگ را مجموعه‌ای غیرقابل تفکیک از عناصر مختلف و دارای انسجام درونی دانسته^۱ در تعریف آن می‌گوید: «فرهنگ عبارت است از مهارت‌ها، کارها، فرایندهای فنی، گمان‌ها، عادت‌ها و ارزش‌ها.»^۲ از نظر او هر فرهنگ شامل عوامل مختلفی است که جنبه‌های مادی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارها و مفاهیم ذهنی مهم‌ترین آن‌هاست.»^۳

آنتونی گیدنز فرهنگ را مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه می‌داند که چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت را دربر می‌گیرد. همچنین شامل کالاهایی می‌شود که تولید می‌کنند.^۴ وی بر این باور است که فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین داشته، هنجارهایی که از آن پیروی و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند.^۵

ادوارد تایلور فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی می‌داند که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.^۶

۱. روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۹۱.

۲. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۵۲.

۳. معینی، نظریه و فرهنگ، ص ۹۷.

۴. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۳۶.

۵. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۳۶.

۶. روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۷.

رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است.^۱ شاید بتوان دیدگاه‌های ارائه‌شده در مورد چیستی فرهنگ را در یک نگاه کلی چنین دسته‌بندی کرد:

۱. دوساحتی: در این رویکرد، فرهنگ تمامی جنبه‌های حیات بشری اعم از دنیوی و اخروی را شامل می‌شود. طبق این دیدگاه، فرهنگ برگرفته از نگرشی است که انسان به دنیای پیرامون خویش دارد و آثار آن در گفتار، رفتار، آداب‌ورسوم و هرچه تولید می‌کند (هنر، قانون، محصولات مادی و معنوی و...) نمایان می‌گردد.

۲. تک‌ساحتی: این رویکرد، فرهنگ را از زوایه زندگی فردی و اجتماعی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این دنیا می‌نگرد و در ادبیات دستگاه سیاسی - اجتماعی و اجرایی و دولتی بدان پرداخته می‌شود؛ همچون آموزش و پرورش، ورزش، تبلیغات، هنر و رسانه‌ها، گردشگری، آثار باستانی و ...

به نظر می‌آید می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، رفتارها و هنجارهای ارزشی است که در آداب‌ورسوم، زبان، ادبیات، روابط و سایر امور زندگی تجلی یافته و بر خلق و خوی مردم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، فرهنگ حقیقت و هویت معنوی ملت‌ها است که ساختار کیفی زندگی آنها را مشخص می‌کند. فرهنگ تبلور رفتاری برخاسته از باورها و هنجارهای پذیرفته‌شده است که علاوه بر جلوه اجتماعی آن می‌تواند در حوزه زندگی یک فرد نیز معنا پیدا کند. از همین جهت عنوان «انسان بی‌فرهنگ» و «جامعه بی‌فرهنگ» قابل قبول نیست.

^۱. سخنرانی در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳.

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان فرهنگ دینی را متناسب با دیدگاه چند ساحتی ارزیابی کرد؛ زیرا دین داعیه‌دار ایجاد طرح نو در زندگی انسان‌ها بوده و به جنبه‌های مختلف حیات انسان و سعادت او نظر دارد. خداوند پیامبران الهی را حامل رسالت و عهده‌دار تربیت افراد و برپاکردن جامعه جدید با معیارها، شرایط و ویژگی‌هایی بدیع معرفی کرده است. همچنین، آموزه‌های دینی ساحت وسیعی از باورها، رفتارها (ایمان به خداوند، تقوا، پرداخت زکات و برپاداشتن نماز)، روش‌ها (برپاکردن قسط و داد اجتماعی و آراسته‌شدن به آرایه عدالت فردی و اخلاقی)، عادت‌ها (تداوم ارتباط بندگی و عبودیت با خدا و حفظ روحیه یاری‌گرایانه و عدالت‌خواهانه با خلق) و... در یک جامعه را شامل می‌شود.

بنابراین، فرهنگ اسلامی، مجموعه‌ای از باورها، اصول و روش‌های زندگی اعم از آداب‌ورسوم، اخلاقیات، ارزش‌ها و قوانین در حوزه‌های مختلف حیات بشری است که از وحی سرچشمه گرفته است.

فرهنگ مادی و معنوی

فرهنگ مادی، آن بخش از عناصر فرهنگی است که قابل حس، اندازه‌گیری، ارزیابی و مقایسه باشد. اشیای مادی، ابزار کار، وسایل صنعتی و کشاورزی، مسائل آموزشی و وسایل زندگی و لوازم خانه که در زندگی روزمره کاربرد دارد مانند: لباس، وسیله نقلیه، مسکن و به‌طور کلی هر چیزی که جنبه مادی دارد، جزو فرهنگ مادی به‌شمار می‌رود. فرهنگ مادی شامل کلیه دستاوردهای مادی هر جامعه است.

فرهنگ معنوی، دربرگیرنده‌ امور است که جنبه کیفی دارند. به بیان دیگر، آنچه که مادی نباشد، فرهنگ معنوی است؛ عقاید و باورها، آداب‌ورسوم، اخلاقیات، آموزش و پرورش، آثار ادبی و هنری و فکری و کلیه صنایع معنوی یک جامعه، جزء فرهنگ معنوی آن جامعه به‌شمار می‌رود.

بین جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ، رابطه متقابلی وجود دارد و تغییر یکی موجب تغییر دیگری خواهد شد. این دگرگونی و تغییر می‌تواند ابتدا از فضای فرهنگ مادی و با اشیای مادی و ابزار فیزیکی فرهنگ آغاز شده و سپس تأثیر آن در فضای فرهنگ معنوی دیده شود. علاوه بر آن ممکن است ابتدا فضای فرهنگ معنوی دچار تغییر شده و در ادامه، جنبه‌های مادی را متأثر کند. البته ناگفته نماند که اصالت با فرهنگ معنوی است و تأثیرگذاری آن بر جنبه‌های مادی فرهنگ، ماندگارتر و واقعی‌تر است. خداوند می‌فرماید: «خداوند سرنوشت هیچ قومی [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.»^۱ همچنین می‌فرماید: «این، بدان سبب است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آن‌ها خودشان آن را تغییر دهند.»^۲

مفهوم آسیب

آسیب به بیماری‌ها، عوارض و اختلالات درونی و بیرونی که فرهنگ را از کارکرد و اثربخشی ساقط می‌کند، گفته می‌شود. آسیب‌شناسی نیز به معنای مطالعه آسیب‌های وارد شده به جامعه و گروه‌های انسانی است. اصطلاح آسیب و آسیب‌شناسی در علوم مختلف کاربرد دارد. در عرصه فرهنگ به اموری که رنگ فرهنگی دارند و رفتار و کنش‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، مرتبط است. به گونه‌ای که اگر جلوی این آسیب‌ها گرفته نشود، آن‌ها به تدریج در فرهنگ اصیل جامعه رسوخ کرده و به مرور زمان نهادینه شده، حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا کرده، در نتیجه، به استحاله فرهنگی و پیدایش فرهنگ جدید می‌انجامد.

^۱. رعد/۱۱.

^۲. انفال/۵۳.

در این فرایند، شخص با آنچه که به‌عنوان الگو انتخاب کرده یگانه و بر ارزش‌های حاکم بر آن پایبند شده و سپس به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. با توجه به اهمیت این مسئله است که استعمارگران می‌کوشند فرهنگ خود را نه تنها به کشورهای دیگر صادر، بلکه بر آن‌ها تحمیل نیز کنند. آن‌ها از این رهگذر در صدد هستند تا بتوانند به‌صورت نرم و آرام سایر کشورها را تحت سلطه خود درآورده، از منابع و امکانات آن‌ها به سود خود بهره بردارند.

امکان‌سنجی آسیب فرهنگی

برای بررسی آسیب‌های فرهنگی توجه به چند نکته لازم است:

۱. فرهنگ برتر و مطلوب و آرمانی که منطبق با نیازها، سعادت و آرزوهای انسانی باشد موجود بوده و ما از آن آگاهی داریم؛ زیرا بدون وجود مدل و الگوی کامل که معیار سنجش و داوری باشد، نمی‌توانیم از آسیب سخن بگوییم.

از آن روی که اسلام دارای نظام فکری، اجتماعی و سیستمی جامع بوده و خود را ارائه‌دهنده برترین الگوی فرهنگی برای بشریت معرفی کرده، می‌توان مدل فرهنگی برتر را نظام فرهنگی مبتنی بر دین اسلام دانست که با سرشت و فطرت انسانی نیز سازگار است.^۱

۲. آسیب‌ها دو دسته هستند: آسیب‌هایی که از بیرون یک نظام فرهنگی و از قلمرو بیگانه نفوذ می‌کند (آسیب‌های بیرونی)؛ و آسیب‌هایی که در درون یک فرهنگ پدید می‌آید و به تدریج، کل نظام فرهنگی را دچار تحول و دگرگونی کرده یا بخش مهمی از آن را تغییر می‌دهد (آسیب‌های درونی).

از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو دسته آسیب، اینکه شناخت و درمان آسیب‌های درونی بسیار دشوارتر از آسیب‌های بیرونی است؛ زیرا علاوه بر آنکه دیرتر شناخته می‌شود،

^۱. روم/۳۰.

از آن جهت که به رنگ فرهنگ خودی درآمده و شبیه شاخه و فرعی از همان فرهنگ درمی‌آید، طرفداران و مدافعانی را از همان آغاز با خود دارد که در برابر هرگونه مقابله، مقاومت و ایستادگی می‌کنند. در حالی که آسیب‌های بیرونی، زودتر دیده شده، کمتر موردحمایت اکثریت واقع می‌شود و در کوتاه‌مدت نیز موردپذیرش عموم واقع نمی‌شود.

۲. آسیب‌های فرهنگی جهان اسلام

آسیب‌شناسی و توجه به آسیب‌ها پیرامون هر حقیقت از چنان اهمیتی برخوردار است که بنا بر فرمایش امام صادق علیه السلام یکی از پایه‌های مهم دانش به‌شمار می‌رود؛ چنان‌که ایشان فرمودند: «وَجَدْتُ عُلُومَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِي أَرْبَعَةٍ أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَالثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَالثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَالرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ»^۱ همه دانش مردم را در چهار چیز یافتن: خداشناسی، خودشناسی، وظیفه‌شناسی و آسیب‌شناسی (آنچه شخص را از دین خارج می‌کند).

پس از بازخوانی مفاهیم فرهنگ و آسیب اکنون برخی از مهم‌ترین آسیب‌هایی را که جهان اسلام را تهدید کرده و به چالش کشیده معرفی می‌کنیم. ذکر این نکته نیز لازم است که این آسیب‌ها به یکدیگر مرتبط بوده و هم‌پوشانی دارند. به عبارت دیگر، پیدایش یک آسیب باعث آشکارشدن دیگر چالش‌ها و آسیب‌ها نیز می‌شود.

الف. جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

برای مفهوم جهانی‌شدن - همانند مفهوم فرهنگ - شاید نتوان تعریف مشخصی را ارائه کرد. از همین رو برخی با توجه به آثار جهانی‌شدن، آن را چنین تعریف کرده‌اند: فرایندی اجتماعی که در آن حدود و قیود جغرافیایی و مرزبندی کشورها که بر روابط

^۱ برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۳.

اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود.^۱ مخالفان جهانی‌شدن، این پدیده را جهانی‌سازی و یک‌شکل کردن جهان می‌شمارند. از نظر آنها این پدیده توسط بازیگران برتر جهانی برنامه‌ریزی شده و جهان را به سمت غربی‌شدن و به صورت خاص، آمریکایی‌شدن برده، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای خود را بر سایر جوامع تحمیل می‌کند.

جهانی‌شدن تقید به یک مکان خاص و پیوند فرهنگی با آن را سست و نابود می‌کند. این عامل، با ایجاد اختلال در صور ذهنی و معنایی آن، زندگی افراد را به شکلی مؤثر و فراگیر تحت الشعاع قرار داده و هویت انسان را در ارتباط با جهانی بزرگ‌تر و با نگاه و شکل غربی آن، بازتعریف می‌کند. در نتیجه، باورها و هنجارهای او را دگرگون کرده، عادت‌ها و رفتارهای او را تغییر داده، او را با هویتی جدید و ارزش‌ها و رفتارهایی در چارچوبه فرهنگی جدید، نظام داده و هدایت می‌کند. به دنبال آن نیز، امنیت، اقتصاد، آزادی و سیاست و همه عرصه‌های دیگر زندگی انسان‌ها را زیر چتر اراده خود قرار می‌دهد.

در چنین فضایی مهم‌ترین بخش باورها، یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی افراد در جوامع اسلامی که از دین نشأت گرفته بود، به دگرگونی کامل دچار شده و خداباوری جای خود را به انسان‌باوری می‌دهد؛ در نتیجه، آدمی و حیات دنیایی و مادی (حیوانی) او اول و آخر و حقیقت و پایه همه چیز شمرده می‌شود. در پی آن، باید‌ها و نبایدها، ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای انسان نیز بر اساس این هویت و باور شکل پیدا می‌کند. ارتباط مسلمانان با یکدیگر و هم‌گرایی و انسجام درونی آن‌ها نیز فرو پاشیده، ملاک پیوند با سایرین نه بر اساس دین اسلام و ارزش-

^۱. مالکوم واترز، ۱۳۷۹، ص ۶۶.

های دینی، بلکه بر پایه منافع شخصی و گروهی، البته با رویکرد جدید (دنیای غرب) می‌گردد.

نتیجه این رویکرد، اختلاف بین جوامع اسلامی و جدایی آن‌ها از یکدیگر، تنها گذاشتن سایر مسلمانان در برابر هجمه دشمنان، وقوع انواع درگیری‌ها و جنگ و کشتارها در بین ملت‌های اسلامی از یک سو و پیدایش تبعیض و فاصله طبقاتی، مصرف‌گرایی در طبقه برخوردار، گسترش فقر و خشونت و انواع نابسامانی سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در درون هر یک از کشورهای اسلامی، از سوی دیگر است.

ب. تفرقه و تقابل بین مذاهب اسلامی

از آسیب‌های مهمی که بلای جان جهان اسلام شده و از دیرباز حرکت جامعه را با کندی و حتی گاه با توقف و واگرایی دچار کرده این است که مسلمانان با فراموش کردن فرمان الهی مبنی بر اعتصام به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه^۱ به جای آنکه همچون ید واحد در کنار یکدیگر بوده و با تقویت وحدت و همدلی، صف واحدی را در برابر دشمنان اسلام تشکیل دهند، خودی را از غیرخودی تشخیص نداده، با روی آوردن به برخی مسایل فرعی، راه نفوذ دشمن بین صفوف مسلمانان را فراهم می‌آورند. تاریخ گذشته جهان اسلام و حوادث ناگواری که صفحات تاریخ را خون‌بار و ملامال از اندوه کرده از یک سو و وضعیت کنونی آن و وقوع انواع ستیزها و نزاع‌ها و جنگ و کشتارها از سویی دیگر، گواهی روشن و عیان بر این مطلب است.

ج. احساس حقارت و خودکمترینی

از ناامیدکننده‌ترین اتفاقی‌هایی که می‌تواند در یک جامعه رخ دهد این است که افراد آن جامعه خودشان را در برابر افراد جوامع دیگر، حقیر و پایین‌تر شمرده، با ازدست‌دادن

^۱. آل‌عمران/۱۰۳.

غرور دینی و حتی غرور ملی، ارزش‌ها، رفتارها و سرمایه‌های معنوی و مادی خود را از دست بدهند.

شاید بتوان علت اصلی این حالت روحی اسفانگیز را عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی و یا کمتر توسعه‌یافتگی جوامع اسلامی برشمرد. این عارضه علاوه بر رنج‌ها و مصائب فراوانی که در جامعه پدید می‌آورد، هویت انسان را از درون آزار رسانده و خود را موجودی واژه، محتاج و درجه دو و حقیر می‌شناسد. تعلق به شبکه‌های جهانی استعمار، شالوده‌های نامتناسب سیاسی، تشکیلات نامناسب اداری، حاکمیت جمود و جهل و بی‌سوادی از علایم و ویژگی‌های این‌گونه جوامع است.

د. ارتداد

از هشدارهای پیشوایان معصوم و عترت پیامبر به جامعه اسلامی برای عصر غیبت، خطر و آسیب «ارتداد و برگشت از دین» بوده که با عبارات مختلفی در اخبار وارد شده است؛ مانند: «تضل الخلق عن ادیانهم»،^۱ «یضل فیها اقوام»،^۲ «یرتد فیها اقوام»،^۳ «ارتداد اکثر القائلین بامامته»،^۴ «یرجع عن هذا الامر اکثر القائلین به».^۵

ارتداد به معنای رجوع و بازگشتن است. بازگشت به راهی که از آن آمده و در رجوع از امر مقدس به کار ناپسند مانند رجوع از اسلام به کفر به کار رفته است.^۶ از روایات پیش‌گفته می‌توان چنین برداشت کرد که ارتداد دو گونه قابل تصور است:

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. همان، ص ۲۸۹.

۳. همان.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۷۸.

۵. همان، ص ۳۸۵.

۶. راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۹.

الف) ارتداد اعتقادی؛ یعنی عده‌ای در اصل دین مرتد شده و اعتقاد خود را به اسلام از دست می‌دهند (تضل الخلق عن ادیانهم). برخی دیگر نیز هرچند به‌ظاهر، خود را مسلمان می‌دانند، ولی ایمان به امام مهدی عجل الله فرجه را از دست می‌دهند (یرجع عن هذا الأمر).

ب) ارتداد عملی؛ یعنی برخی افراد هرچند در ظاهر معتقد به اسلام و نیز ولایت و امامت امامان اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند، اما در عمل از هواوهوس دنباله‌روی کرده و دل‌بستگی به دنیا و لذایذ و شهوات، آن‌چنان آنان را غافل کرده که در عمل ملتزم به دستورات دین و ولایت نیستند. این نوع دوری از دستورات دین، گاه به‌گونه‌ای تشدید می‌شود که اوامر دینی را ناکارآمد و مربوط به دوران گذشته می‌پندارند.

ه. سست‌شدن باورها (انحراف از معارف اسلام)

رفتارهای انسان در عرصه زندگی فردی و اجتماعی که فرهنگ او جلوه‌گر است، بر پایه باورها و اعتقاداتی است که پذیرفته و بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌ریزی رفتاری انسان مسلمان و جامعه اسلامی نیز که فرهنگ اسلامی حاکم بر جوامع اسلامی را شکل می‌دهد، برگرفته از آموزه‌های اصیلی است که ریشه در کتاب و سنت دارد. انحراف از آموزه‌ها و تغییر در آن‌ها به تحریف مفاهیم منجر شده و در نهایت، رفتارها را دگرگون کرده و همگام با آن راه را برای شکستن حریم الهی و نافرمانی دستورات خداوند هموارتر می‌کند. در نتیجه، انسان واجبات را ترک کرده و مرتکب محرمات می‌شود.

و. دنیاگرایی و نگاه اصالتی به دنیا

برخورداری از یک نوع جهان‌بینی، نقشی مهم و تعیین‌کننده در زندگی انسان‌ها دارد. نگرش به جهان و شناخت حدود آن که همراه با شناخت انسان از خویشتن است پایه و اساس ایدئولوژی و رفتار اوست. اگر انسان به این جهان با نگاه اصالتی بنگرد و

آغاز و پایان زندگی خود را در همین دنیا بداند، طبیعی است که به دنبال کسب لذت و بهره بیشتر از دنیا رفته، همه تلاش خود را در این زمینه به کار گرفته، تمامی برنامه‌های خود را در راستای تحصیل منافع بیشتر دنیوی چیدمان می‌کند. نتیجه این دیدگاه آن می‌شود که آدمی و جامعه او سراسر شهوت و فساد و تجمل‌پرستی می‌گردد. انسان با شمردن خود به‌عنوان یکی از انواع حیوانات، دیگر چیزی به نام کرامت و عزت انسانی را نمی‌شناسد. ارزش‌های اخلاقی انسان، بی‌معنا شده، دیگر حقیقتی به نام عواطف انسانی (نه حیوانی) مفهوم ندارد.

در حالی که در دیدگاه دیگر و با اصالت‌بخشی به زندگی ابدی در آخرت، انسان دنیا را مقدمه آخرت و محلی برای کاروتلاش سازنده بر اساس برنامه مشخص و تدوین‌شده، قلمداد کرده و برای نیل به آن حیات پاک، از خوشی‌های زودگذر و همراه با ناگواری‌های روحی دنیا به آسانی می‌گذرد. در این جهان‌بینی است که مفاهیمی مانند گذشت و ایثار، محبت به هم‌نوع، عزت و کرامت انسانی، چشم‌پوشی از حق خویش برای رعایت حال دیگران و... از اصول کاربردی زندگی انسان‌ها می‌شود.

۳. انتظار امام مهدی عج و حل مشکلات و آسیب‌ها

از جمله موضوعاتی که در اندیشه شیعی و منظومه معارف مهدوی جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد، انتظار دولت آرمانی و حکومت عادلانه خاتم‌الاولیاء، امام مهدی عج است. در روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام صادر شده به انتظار و نقش مهم و کلیدی آن برای گذر از دوران آخرالزمان، عبور از وقایع اسفبار آن و رسیدن به دروازه ظهور منجی اشاره شده است.^۱

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

تأمل در روایات نشان می‌دهد حقیقت انتظار، تحرک و پویایی است. انتظار منشور سترگ و تابناک حرکت و درس مبارزه است. انتظار دیدن روزنه امید برای رهایی است. انتظار دیدن افق فردا و فرداهاست. انتظار امید به آینده است. انتظار اشتیاق رسیدن به بهترین وضع است. انتظار تلاشی برای بهترشدن، تکامل یافتن و همیشه پویا زیستن است.

جامعه منتظر، جامعه‌ای پویا، رو به تکامل و متمایل به بهتر و انسانی‌زیستن است. فرد منتظر همیشه در حال گریز از وضع موجود و تلاش برای فردایی بهتر از امروز است. از همین جهت باید بر ضد شرور بشورد تا جامعه برای ظهور و حضور مصلح موعود آماده شود.

دوران آخرالزمان و عدم حضور آخرین خلیفه پیامبر و حجت حق، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دوران سختی است که نه تنها شیعه و جامعه اسلامی بلکه همه مردم دین‌مدار و معتقد به منجی، در فراق موعود مهربان خود سپری می‌کنند. امید به آمدن او، دل‌ها و جان‌ها را شور و نشاط می‌بخشد و تحمل سختی‌ها و دشمنی‌ها را آسان می‌کند. این امید و آرزوی ظهور که همیشه و همه‌جا برای انسان‌های مؤمن، نجات‌بخش و راهگشا بوده، در روایات اسلامی، «انتظار» نامیده شده است. انتظاری که منتظران را به امام موعود خود وصل کرده، مرهمی بر زخم فراق ایشان است.

انتظار اکسیر ارزشمندی است که مؤمنان منتظر در دوره غیبت را آماده استقبال از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه می‌کند و راه‌ورسم چگونه زیستن را به آن‌ها می‌آموزد.

حقیقت انتظار و ابعاد آن

انتظار چشم‌به‌راه بودن است و این چشم‌به‌راهی با توجه به منتظر، آثار و پیامدهایی دارد. انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست؛ بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار یک عمل و بلکه

بهترین اعمال، معرفی شده است.^۱ بنابراین انتظار با نشستن و دست‌روی‌دست گذاشتن، نمی‌سازد؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شورآفرینی نهفته است. جایگاه انتظار به قدری والاست که پس از توحید و نبوت و ولایت مطرح شده است. روزی امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکم که خداوند، بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم شدن در برابر ایشان (امامان) و پرهیزکاری و کوشش و خویشنداری و انتظار قائم.»^۲

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه انتظار مصلح جهانی است که ظهورش عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین، امنیت، صلح و شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. حاکمیت عدل جهانی موعود آخرالزمان برچیده شدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نابودی هرگونه ستم و ستمگری و رهایی جامعه از انواع فسادهای اخلاقی را به دنبال دارد.

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه انتظاری است که به انسان‌ها، هویت و حیات بخشیده، آن‌ها را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد. زمینه‌های شکوفایی و رشد را در آنان خواهد شکفت و زمینه‌سازی برای ظهور را سرلوحه برنامه‌های آنان قرار می‌دهد.

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه در ابعاد مختلف زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. در بُعد فکری و اندیشه‌ای، باورهای اساسی حیات آدمی را حفظ و تقویت می‌کند. در بُعد فردی، حیات روحی و روانی آدمی را به سوی کسب فضیلت‌های اخلاقی سوق می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: «...کسی که دوست دارد از یاران قائم عجل الله فرجه باشد، باید منتظر بوده و

^۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

^۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

در حال انتظار، پرهیزکاری پیشه کند و به اخلاق نیکو، آراسته شود.^۱ انتظار در بُعد عملی، به اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد تا در میدان عمل بکوشد زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم شود. از این روی، منتظر، هم به ساختن خود و هم به سامان‌دادن جامعه همت می‌گمارد.

ویژگی مهم انتظار این است که انسان را از محدوده خود فراتر برده و او را با افراد جامعه مرتبط می‌کند. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است، که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه داشته و او را به تأثیرگذاری مثبت در جامعه وا می‌دارد.

عناصر کلیدی انتظار

انتظار مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه عناصر و ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند بهترین راه‌حل برون‌رفت از مصائب و مشکلات جهان اسلام به‌شمار آید. در این میان، دو عنصر، اصلی‌تر و کارآمدتر به نظر می‌آید.

الف) آینده معلوم و حتمی (امام مهدی عجله الله تعالی فرجه محور وحدت)

یکی از عوامل بسیار مهم در حفظ هویت امت اسلامی و جوامع مسلمان (علاوه بر گذشته تاریخی‌شان)، توجه به آینده پیش رو است که به‌سمت آن در حرکت هستند. آینده حتمی باعث می‌شود آنان در شناخت و حفظ هویت اسلامی خویش، جهان‌بینی و باورها و اندیشه‌های ناب و زلال برگرفته از وحی و نیز ایدئولوژی رفتاری نشأت گرفته از آموزه‌های دینی، ثابت‌قدم و استوار باشند. همچنین تلاش آنان مبنی بر آن خواهد بود که با اتحاد و همدلی نسبت به یکدیگر در راه روشن و صراط مستقیم شریعت اسلام حرکت کرده و گرفتار ایده‌ها و مکاتب انحرافی و استعماری نشوند.

^۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

انتظار تحقق مطلوب و مقصود و موعود آخرین، همیشه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را به عنوان محبوب منتظر در برابر دیدگان منتظر قرار می دهد و ضمن نصب العین قرارداد هدف برای چشم انتظاران، هویت و کیستی آنان را یادآور می شود. به راستی، وقتی موعود انبیا و آخرین خلیفه خدا در زمین، فرزند پیامبر اسلام و امام مسلمانان است و حاکم علی الاطلاق زمین و حمایت جهانی از آن امام و رهبر مسلمین است، پس فراموش کردن هویت خویشتن، تزلزل در باورها و سرسپردن در برابر غیرمسلمان چه معنایی خواهد داشت؟ دیگر اختلاف و دشمنی بین مسلمانان چه توجیهی دارد؟

باور به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با اوصاف معرفی شده، عقیده ای است که در متن نصوص اولیه اسلامی اعلام و عنوان شده است. برحسب احادیث متواتر که شکی در تواتر و صدور آنها از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نیست نیز، آن بزرگوار از این ظهور خبر داده و امت خود را در انتظار آن روز بزرگ و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه گذاشته است. این عقیده مثل سایر عقاید اصیل و اصلی اسلامی از طرف خود رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به مردم عرضه شده و ایمان به آن حضرت، مقتضی ایمان و باور به این ظهور است.

اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرن ها بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان، شخصی از اولاد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و فرزندان علی و فاطمه عليهما السلام - که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است - در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده، ظهور و جهان را پر از عدل و داد کند. همه او را هم نام و هم کنیه پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و ملقب به مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده اند.

شهید صدر در این باره می گوید: «به راستی اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت عليهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد. تنها از

طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر ﷺ درباره حضرت مهدی ﷺ احصا و شمارش شده و بیش از شش هزار روایت برآورد گشته است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی، نظیری برای آن وجود ندارد. قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند.^۱

کتب روایی فراوانی از اهل سنت به احادیث امام مهدی ﷺ اشاره کرده است. از جمله صاحبان کتب سته مانند: ابن ماجه (ج ۲، ص ۱۳۶۶، ش ۴۰۸۲)، ابوداود (ج ۲، ص ۵۰۸، ش ۴۲۷۹) و ترمذی (ج ۴، ص ۵۰۴، ش ۲۲۳۰).

کنجی شافعی می‌گوید: «قد تواترت الاخبار و استفاضت بكثره روايتها عن المصطفى في امر المهدي عليه السلام؛ اخبار متواتر و مستفيض است با كثر ت روايان از پیامبر در امر مهدی علیه السلام»^۲

ابن تیمیه آورده است: «أن الأحاديث التي يحتج بها على خروج المهدي أحاديث صحيحة؛ احادیثی که در مورد خروج مهدی به آنها احتجاج می‌شود احادیث صحیح است»^۳

حافظ ابن حجر عسقلانی از أبو الحسن الخسعی الأبدی فی مناقب الشافعی نقل می‌کند: «تواترت الاخبار بان المهدي من هذه الامة؛ اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی ﷺ از این امت (اسلام) است»^۴

مبارکفوری می‌گوید: «و اعلم ان المشهور بين كافة من اهل الاسلام على ممر الاعصار انه لابد في آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البيت يسمي بالمهدي؛ بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان‌ها این است که به‌طور حتم در

۱. صدر، بحث حول المهدي، ص ۸۳.

۲. کنجی شافعی، ص ۱۲۶.

۳. ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۸، ص ۲۵۴.

۴. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۳.

آخرالزمان، شخصی از اهل بیت ظهور خواهد کرد. او مهدی نام دارد.^۱

شیخ ناصرالدین البانی وهابی می گوید: «ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواترة عنه صلى الله عليه وآله يجب الايمان به لانها من امور الغيب و الايمان بها من صفات المتقين؛ همانا عقیده به خروج مهدی صلى الله عليه وآله عقیده‌ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله بوده که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از اموری است که ایمان به آن در قرآن، از صفات پرهیزکاران شمرده شده است.»^۲

(ب) وظایف و برنامه‌ها

انتظار ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی اسلام ایجاد می‌کند و رفتارها و برنامه‌ها را بدان سمت سوق می‌دهد. اگر مفهوم انتظار به درستی فهمیده شود، معلوم می‌گردد که بین انتظار موعود و حیات پویا و ظلم‌ستیزی و ریشه‌کنی فساد از زمین، ملازمه وجود دارد. روایات فراوانی که فضیلت انتظار و مقام منتظران را بیان می‌کند، این تصویر زیبا را ارائه کرده است. در پرتو انتظار موعود، حرکت‌های اصلاحی شکل می‌گیرد و به برکت آن، حیات انسانی، مفهوم و جایگاه الهی خود را پیدا کرده و بشر را به سوی اهداف والای انسانی به پیش می‌برد.

امت اسلامی که منتظر و چشم‌به‌راه ظهور و قیام جهانی نجات‌دهنده بزرگ و موعود امت‌ها بوده، بایسته است در ابعاد مختلف، این انتظار و آمادگی خود را نشان دهد. البته مرحله نخست «انتظار سازنده»، باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست او است. سپس نوبت به اصلاح و هم‌سوسازی رفتارها، گفتارها و پندارها با این اعتقاد و باور است. وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد، تمام رفتارها و سکناش نشان از منتظر بودن او دارد. به‌عنوان مثال اگر منتظر

^۱ مبارکفوری، ج ۶، ص ۴۰۱.

^۲ البانی، مجله التمدن الاسلامی، ش ۲۲، ص ۶۴۳.

مهمان باشد، بی‌شک خانه را تمیز و مرتب می‌کند. وسایل پذیرایی را آماده کرده، با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر مهمان است.

بعضی از بایسته‌ها و وظایف منتظران مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه را چنین می‌توان برشمرد:

یک. وظایف فردی و اخلاقی

۱-۱. سنخیت با موعود

منتظران واقعی، وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌بخشند که با امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و موعود الهی سنخیت داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق همراه و پیرو واقعی او باشد.

۱-۲. پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف و بایسته‌های مهم منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است. یعنی، همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «اگر می‌خواهید محبوب خدا باشید، تقوای پیشگی کنید»^۱ این قانون در مورد حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه نیز برقرار است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای صاحب‌الامر، غیبتی طولانی است؛ در آن دوران هرکس باید تقوا پیشه سازد و به دین خود چنگ زند»^۲

^۱. آل عمران/۷۶.

^۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۳-۱. یاد منتظر

منتظر حقیقی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی‌شود و پیوسته در فکر و اندیشه او به سر می‌برد. روایت شده وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می‌شود؟ فرمود: «نعم یغیبُ عن أبصارِ النَّاسِ شَخْصُهُ و لا یَغیبُ عن قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ ذِکْرُهُ و هو الثَّانِی عَشْر مَنَّا؛ بله، شخص او از نگاه‌های مردم غایب می‌شود؛ ولی یاد او از دل‌های مؤمنان پنهان نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما است.»^۱

۴-۱. اظهار محبت و مودت

یکی از اوصاف منتظران و شیعیان خالص امام زمان عجل الله فرجه مهرورزی و محبت سرشار به آن حضرت است. پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله درباره لزوم دوستی حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ و قد كَمَلَ إيمَانُهُ و حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صاحب الزمان المنتظر؛ هرکس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید دوست‌دار حضرت حجّت، صاحب‌الزمان منتظر باشد.»^۲

۵-۱. صبر و بردباری

در روایات زیادی توصیه به صبر و بردباری در دوران غیبت شده و برای منتظران صابر، پاداش‌ها و ثواب‌های زیادی بیان شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من دین الائمه الورع و العفة و الصلاح و انتظارُ الفرج بالصبر؛ از آیین امامان تقوا،

^۱ همان، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی است.^۱ همچنین روایت شده است: «کسی که منتظر امر ما (ظهور مهدی) باشد و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می‌بیند، صبر کند، فردا (روز رستاخیز) در جرگه ما خواهد بود.»^۲

دو. وظایف دینی و اعتقادی

۱-۲. ثبات قدم در دین‌داری

پیروی از فرامین الهی، پافشاری بر شاخص‌های زندگی سالم، اجرای حدود الهی، حق‌مدار بودن، تقویت ایمان و اعتقاد و داشتن ثبات قدم در دین‌داری، گرفتارنشدن در دام بدعت‌ها و انحرافات و... از بایسته‌های اساسی دوران قبل از ظهور است. رسول خدا ﷺ فرمود: «سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخت! فرزند به‌پاخاسته من، غایب خواهد شد... پس هرکه روزگار غیبت وی را درک کند بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسون شک و تردید، او را از آیین من، دور و از دین من بیرون سازد.»^۳

۲-۲. شناخت و معرفت امام

یکی از وظایف و بایسته‌های مهم منتظران، شناخت امام موعود عجل الله فرجه است. شناخت امام به‌حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنی چنین آمده است: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (زهادت). این معرفت، هم شامل نام و نسب، هم اوصاف و ویژگی‌ها و هم اهداف و برنامه‌ها می‌شود.

^۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

^۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۷.

^۳. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداء، ج ۴، ص ۷۳.

سه. وظایف سیاسی و اجتماعی منتظران

عرصه سیاست و اجتماع مهم‌ترین میدان بروز و ظهور بایسته‌های انتظار و مؤثرترین زمینه در جهت جلوگیری از آسیب‌های دوران قبل از ظهور موعود است. توجه به بایسته‌ها و وظایف سیاسی و اجتماعی مردم در جوامع اسلامی عبارت است از:

۱-۳. حق‌خواهی و حق‌مداری

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حق و باطل و دو اندیشه طغیان‌گری و حق‌گرایی است: راه حق و صلاح، راه پیامبران و صالحان با محوریت ایشان؛ و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر، با محوریت طواغیت. با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود.

انتظار، انسان مؤمن و مسلمان را در مسیر حق‌مداری قرار می‌دهد. منتظری که طالب ظهور موعود است، نه تنها حق‌خواه بوده و از راه باطل اجتناب می‌کند، بلکه تلاش می‌کند دیگران نیز در این مسیر حرکت کنند تا فضای جامعه اسلامی را عطر حقیقت‌مداری فرا گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌فرماید: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ؛ گروهی از امت من همواره حق را آشکار می‌کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد.»^۱

۲-۳. اتحاد و همدلی

مهم‌ترین چیزی که در دوران آخرالزمان و عصر پیش از ظهور، رعایت آن بر هر مسلمان طالب ظهور واجب است، حفظ یکپارچگی و اتحاد مسلمانان و پای‌بندی

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۸.

ایشان به فرمان خداوند مبنی بر اعتصام به حبل الهی و عدم تفرقه است.^۱ انتظار موعود حرکت و رفتار مسلمانان را در راستای تحقق جریان مبارک ظهور شکل می‌دهد تا زمینه مناسب برای فرایند ظهور رقم بخورد.

۳-۳. رعایت حقوق دیگران

از مهم‌ترین امور در زندگی محبّان و منتظران قائم عجل الله فرجه رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی‌تواند به‌گونه‌ای زندگی کند که نسبت به حقوق دیگران بی‌تفاوت بوده و در عین حال خود را دوست‌دار و منتظر مهدی موعود بداند. به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با برادران مسلمان خود، چنین معرفی می‌کند: «آنچه را برای برادر مسلمانان دوست‌بدار که برای خودت دوست می‌داری. از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی. چشم و راهنما و آینه او باشی و... وقتی چنین کردی، دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده‌ای.»^۲

در روایتی آمده است گروهی از شیعیان خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسیده و از ایشان درخواست نصیحت کردند. حضرت فرمود: «از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی‌نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما درباره دیگری خیرخواهی کند... اگر شما چنین بودید که به شما سفارش کرده‌ایم و از این حدود تجاوز نکنید و پیش از ظهور قائم ما کسی از شما بمیرد، شهید از دنیا رفته است.»^۳

^۱. آل‌عمران/۱۰۳.

^۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

^۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

نتیجه

به صورت کلی می توان چنین گفت که والاترین هدیه الهی به مردم، آیین کامل، جامع و مقدس اسلام بود که نقشه راه زندگی انسانی در عرصه های مختلف و ابعاد گوناگون وجودی او به ویژه فرهنگ انسان زیستی را دربر دارد. اما متأسفانه امت اسلامی قدر این گوهر ارزشمند را ندانسته، دچار آسیب های مختلفی شده اند.

ما در این نوشتار ضمن اشاره به مفاهیم فرهنگ و آسیب به برخی از مهم ترین آسیب ها در بخش فرهنگی مانند: هضم شدن در پروسه جهانی شدن و جهانی سازی، تفرقه و تقابل بین مذاهب اسلامی، احساس حقارت و خودکمترینی، ارتداد، سست شدن باورها (انحراف از معارف اسلام)، دنیاگرایی و نگاه اصالتی به دنیا اشاره کردیم.

در ادامه، آموزه انتظار امام مهدی عجل الله فرجه را به عنوان مهم ترین راه برون رفت از آسیب های دوران قبل از ظهور معرفی کردیم. همچنین ضمن تعریف انتظار و بازخوانی ابعاد آن به دو عنصر کلیدی انتظار یعنی: آینده معلوم و حتمی و وظایف و برنامه ها پرداخته و با معرفی امام مهدی عجل الله فرجه به عنوان محور وحدت امت اسلامی، بخشی از وظایف مردم و جوامع اسلامی در راستای فرهنگ انتظار را مورد بررسی قرار دادیم.

منابع

۱. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، آگاه.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه النبویه، تحقیق: سالم، محمد رشاد، مؤسسه قرطبه، چاپ اول، ۱۴۰۶.
۳. العسقلانی الشافعی، احمد بن علی بن حجر أبو الفاضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: العسقلانی الشافعی، احمد بن علی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۷۹.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: محدث، جلال الدین، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
۵. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، دارالقلم، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲.
۷. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، عطار.
۸. زهادت، عبدالمجید، حدیث معرفت.
۹. سایت مقام معظم رهبری.
۱۰. السجستانی الأزدی، سلیمان بن الأشعث أبو داود، سنن أبی داود، تحقیق: عبدالحمید، محمد محیی الدین، دارالفکر، بیروت.
۱۱. صدر، سید محمد باقر، بحث حول المهدي، تحقیق: شراره، محمد جواد، الغدير، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۷.
۱۲. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳.

۱۳. -----، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.
۱۵. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: صبوری، منوچهر، نشر نی.
۱۶. مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه: مردانی گیوی، اسماعیل و مرنندی، سیاوش، سازمان مدیریت، تهران، ۱۳۷۹.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳.
۱۸. الترمذی السلمي، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، تحقیق: شاکر، أحمد محمد وآخرون، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۹. القزوينی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: عبدالباقي، محمد فؤاد، دارالفکر، بیروت.
۲۰. کنجی شافعی، محمد بن یوسف، البيان فی اخبار مهدی صاحب الزمان.
۲۱. المبارکفوری، أبوالعلا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۲۲. معینی، جهانگیر، نظریه و فرهنگ، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷.